

بستهٔ املا

ستایش

فضل و رحمت - رزاق و خلاق - زهی و آفرین - فروغ و روشنایی -

درس یکم: چشمه / پیرایهٔ خرد

- ◆ غلغله‌زن و غوغاکنان - گلبن و صحرا - حامل سرمایه - صاحب پیرایه - برازندگی و لیاقت - نَمَط و طریقه - مبدأ و آغاز - بحر خروشنده - سهمگن و ترسناک - نعره و فریاد - زهره‌در - یله و رها - ورطه و مهلکه - پهنای دریا - چشم حقارت.
- ◆ حازم و محتاط - عاجز و ضعیف - میعاد و وعده - حزم زیادت - وقت حیلت - دفع مکاید - تأخیر، صواب - بینداخت - غفلت بر احوال وی غالب - عجز در افعال وی ظاهر - حیران و سرگردان و مدهوش - فراز و نشیب -

درس دوم: از آموختن ننگ مدار / دیوار

- ◆ از نیکی کردن میاسا - مستغنی و بی‌نیاز - تیمار غم و شادی - مُحال و بی‌اصل - حال و نهاد - ضایع و تباه و تلف - خاصه و مخصوصاً - قرابت و خویشان - مولع و آزمند - حرمت و احترام - رستن از ننگ -
- ◆ خواب‌آلود و حیرت‌زده - محو تماشا - تلّ و تپه - خرده‌های گچ - سماور کوچک - قاش خربزه - جشن مفصل - عُصّه و ناراحتی - حیاط منزل - بغض و گریه - عمّله و بنا - حرص و لَج - خبر و پیغام - اصرار و پافشاری - صدای خفه و غریبه - بی‌مهر و نارسا - چاق و گنده - قناری و گنجشک - وحشت و دلهره - سرِ طاس - رعشهٔ تن - جیغ و فریاد - اتاق خانه - سراسیمه و با عجله - آغوش و بغل -

درس سوم: پاسداری از حقیقت / دیوار عدل

- ◆ فلق و شفق - نجابت و اصالت - محراب و قبله - گزاردن نماز - حَضِیض و رفیع - معیار و ملاک - سُخره و ریشخند - قدر و ارزش - غِبطه و رشک - زوال و نابودی - سطح و تراز - عزم و قصد - ضامن و به عهده‌گیرندهٔ غرامت - تناور و قوی جُثّه - تالاب و آبگیر - حاجت و نیاز -
- ◆ عامل و حاکم - عمارت و آبادانی - حاجت و نیاز -

درس پنجم: بیداد ظالمان / همای رحمت

- ◆ رونق زمان - بومِ محنت - آبِ آجل - خاص و عام - حلق و دهان - غَرشِ شیران - عوعوِ سگان - چراغ و چراغدان - طالع مسعود - تأثیر اختران - صبر و تحمّل - چوپانِ گرگ‌طبع - خِذلان و خواری و مَذَلّت - قصر ستمکاران
- ◆ هُمای رحمت - ماسیوا و مخلوقات - پسری ابوالعجایب - علم کردن و مشهور ساختن - مُتَحیّر و حیران - شَهْ مُلکِ لافَتی - لسانِ غیبِ خوش‌تر بنوازد این نوا را - مرغِ یاحق -

درس ششم: مهر و وفا / حَقُّهٔ راز

◆ حدیث دوست - حضرت دوست - زیست و معاش - بلغزد پای - نگسلد پیمان - نسیم صبا - سر زُلف - سر و زر - حق صحبت مهر و وفا - غبار راهگذار - تسکین خلق - حُسنِت به اِتِّفاق مَلاحت - پیغام سروش -
◆ آسرار حق - حَقُّه و محفظه - قول و وعده - زینهار و مراقب باش - سودا و هوس -

درس هفتم: جمال و کمال / بوی گل و ریحانها

◆ پند و حکمت - حیات تن‌ها - عجب‌ترین قصه‌ها - فُرقت و وُصلت - مِحنت و شادی - راحت و آفت - بدایت و نهایت - اندوه و طَرَب - یوسف صِدِّیق - حُسن سیرت و صورت - لثیمی و فرومایگی - میل و عنایت - مکر و عداوت - تقدیر رحمان - خواست خداوند غیب‌دان
◆ دل سودایی - گل و ریحان - نعره و فریاد - نقضِ عهد - خار غم - عشق حرم - سهل و آسان - غنا و نغمه

درس هشتم: سفر به بصره / شبی در کاروان

◆ برهنگی و عاجزی - جامه‌ای پشمینه و سَبَّبر - لُنگ و پلاس - مُکاری و چاروادار - سی دینار مغربی - ابوالفتح علی‌بن احمد - اهل فضل - رُقعه و نامه - قصد و غَرَض - قَرْض و دین - مرتبه‌ای زیادت - حدس و قیاس - اَهلیت و لیاقت - بهای تن‌جامه - فاضل و متواضع - کرای (کرایه) شتر - تبارک و تعالی - انعام و اکرام - گسیل و روانه - فراغ و آسودگی - خدای عَزَّ و جَل - خشنود و راضی - دَلاک و قَیم - مَسَلخ گرمابه - برپای خاسته بودند - زبان تازی - جَلَّ جلاله و عَمَّ نواله -
◆ عاشق و عارف - غوک و قورباغه - بهایم و چارپایان - بیشه و نیزار - مَرَوْت و مردانگی - مدهوش و حیران - طاقت و هوش - جهل و غفلت - تسبیح و ستایش

درس نهم: کلاسی نقاشی / پیر مرد چشم ما بود

◆ صورتک و نقاب - اُفتاده و صاف - نگار نقشهٔ قالی - پیچ و تاب عرفانی اسلیمی - رعنا رقم می‌زد - گرت‌برداری - بیرنگ اسب - خَلْفِ صدق - وَقَب حیوان - اَخره و قوس زیر گردن - یال و غارب - گُرده و کمر - فَرّاز کُله - درماندگی و ناتوانی - گریزی رندانه - مَخمصه و گرفتاری - آب و علف - شاگرد حقیر - چارهٔ درماندگی -
◆ کُنگره و همایش - عَلم کردن - بُرخوردن - میز خطابه - عالیه و سیمین - منسوب به وقف - معاشرت همسایگانه - کُنج و بیغوله - غنیمت - سراغ همدیگر - اهل و عیال - بحران بلوغ - زندگی مرفّه - شِندرغاز و ناچیز - وزارت فرهنگ - معیشتِ تنگ - تره‌بار و بُن‌شَن - سفر قندهار - اسراف و صرفه‌جویی - جست‌وجوی تسلا - غم غربت - زندگی متلاطم - حقارت زندگی - اُخت و اُنس - قرار و طُمأنینه - مجسمهٔ دورهٔ فراعنه - شَسْتِم خبردار شد - وحشت‌زده و هراسان -
- به شکل بدیهی میثاق امروز را مَوکَد سازیم - ضبط کردن میان اوراق - قاصد بهار - طهارت دوشیزهٔ بوستان - احوال و انقلابات - حمایت و کمک - سلب کردن و گرفتن -

درس دهم: در یادلان صف‌شکن / یک گام فراتر

◆ تقدیر تاریخی - حاشیهٔ ارون‌درود - مشیت باری تعالی - آماده و مسلح - جلیقهٔ نجات - زائران کربلا - وسواس یک قاضی - محاسبه و حساب‌رسی - وصیت‌نامه - راست و ریس و مهیا - به محض شکستن خطوط مقدم - صمیمی و بی‌تکلف و متواضع - سوله و ساختمان - در یادلان صف‌شکن - رعب و وحشت - حنین و عاشورا - سگان‌دار و غواص - توسل به حضرت زهرا - مرضیه - صف طویل - طی کردن وسعت جبههٔ فتح - عظیم‌ترین تحولات - نسیان و غفلت - جزر و مد آب خور - فضای نفوس - تلافی و جبران - معركةٔ قلوب - أسوه و تمثیل - عباس بن علی - بولدوزرچی جهاد - خاکریز و سنگر - مظهر فقر مخلوق - غنای خالق - مراتب قرب - تغییر بنیادی - حسرت و افسوس - باک از طوفان.

◆ استدعای مجلس - قبول و اجابت - خانقاه شیخ - مقررین و قرآن‌خوانان - معرف برپای خاست -

درس یازدهم: خاک آزادگان / شیرزنان ایران

◆ خصم و دشمن - آرمان و عقیده - تجلی هستی - افروزد از مدفن من - تسلیم و سازش - تکریم و خواهش - رام و توسن - زبر خاک - قالب و مضمون - شیوهٔ عادی و بلاغی -

◆ تقریظ رهبر معظم انقلاب - غلغله و ازدحام - برق اضطراری - ترجیح و برتری - مهیب و هولناک - فنداق تفنگ - آستر - مقنعه - مهرهٔ مهم نظامی - مددکار هلال احمر - جرئت و جسارت - سرنوشت مبهم - خودروهای بعثی - محاسنی قهوه‌ای - فضلهٔ گوسفندان - سادگی و صداقت - صدای همهمه - سراسیمه و آشفته - تقدیر و مصلحت - تنومه و الأنبار - ملاک و معیار - حرس‌الخمینی - لباس‌های ضخیم - آشنا و جذاب - هیئت صلیب سرخ - اسرای نظامی - اسطورهٔ زندگی‌ام - مجروح و معلول - فحش و ناسزا - وقاحت و بی‌حیایی - توش و توان - خطوط و سطور - آرام و متلاطم - خمیرمایهٔ آدمی - لحظه‌های طاقت‌فرسای انتظار - زیان و تاوان -

درس دوازدهم: رستم و اشکبوس / عامل و رعیت

◆ ایران و توران - کیخسرو و افراسیاب - طنزگویی و چالاک‌ی - بهرام و کیوان و زحل - تیغ و ساعد - کاموس گرد - گرز و کمند - رهام و اشکبوس - بوق و کوس - ابنوس سیاه - برآهیختن و برکشیدن - ستوه و خسته - تهمت‌ن و طوس - کمان به زه - مرد رزم‌آزمای - هم‌آورد و رقیب - عنان و افسار - پتک و ترگ - بارگی و اسب - سلیح و سلاح - مزیح و مزاح - گرانمایه جفت - صمغ سندروس - چار پر عقاب - به شست اندر آورد - فال گیتی‌فروز -

◆ ذوالنون مصری - عامل و رعیت - زجر و مصادره - در خزینه نهی - دفع مضرّت عامل -

درس سیزدهم: گرد آفرید / دلیران و مردان ایران زمین

◆ سهراب و هجیر - آشفته و سراسیمه - مایهٔ ننگ - به کردار قیر - درع و زره - رعد خروشان - ویله و ناله - سهراب شیراوژن - زه کمان - عنان و سنان - برخاست گرد - بسنده و سزاوار - سردار سپهبد - افسر و دیهیم - بینداخت فتراک - نظاره و تماشاگر - گرز و شمشیر - سمنند سرافراز - باره و حصار - افسون و رنگ -

◆ هنگامهٔ آزمون - خطهٔ نغز پدram - مرز فرخندهٔ مردخیز - کُنام پلنگان - خیره و متحیر - هژیران جنگ‌آور - فراز آمدند - عزم و اراده - رزم و جنگ -

درس چهاردهم: طوطی و بقال / ای رفیق

- ◆ طوطی و بقال - تاجر و سوداگر - حاذق و ماهر - صدر دکان - خواجه‌وش - دریغ و افسوس - میغ و ابر - نطق مرغ - حیران و زار - جولقی‌ای سربرهنه - طاس و طشت - صاحب دلق - ابدال حق - سرگین و فضلہ - آشباه و همانندان - محراب و قبله -
- ◆ حضرت عیسی روح‌الله - ابلهی با وی دچار شد - سبیل تلطف - عربده و سفاهت - تحسین و تمجید - خوار و زبون - قهر و غضب - برون تراود -

درس شانزدهم: خسرو / طراران

- ◆ ارتجالاً و بی‌درنگ - سبک تقریر - مبلغی احسنت - گلستان و نصاب‌الصّبیان - عینک زنگاری - دوربیضی و دسته مفتولی - ملتفت و آگاه - کنج خلوتی از برزن - متداول و معمول و مرسوم - محاورهٔ روزمره - خروس غالب - حریف مغلوب - مخذول و خوار و زبون‌گردیده - استرحام و رحم خواستن - بسمل کردن - هلیمی پرچرب و نرم - طعمه و خورش - بدسگال و بدخواه - دوات و جوهر - میرزا مسیح‌خان - چهرهٔ خشنود - قلم آهنین فرسوده - وقار و طمأنینه - الزام و ضرورت - تصدیق‌نامهٔ دورهٔ ابتدایی - آهنگ شهناز - عتاب و سرزنش - تلاوت قرآن - حالت و طرب - طبع و ذوق - ادیب و عارف و صاحب‌دل - عادت مألوف - کیف حلبی - گل و بته - ضمائم و تعلیقات - نهایت مهارت - رهاورد باب دندان - بهره و نصیب - در عین حُجب و فروتنی - استعدادی فیاض - آوان و هنگام - مطربی و مسخرگی - حسودان تنگ‌نظر - عنودان بدگهر - می و معشوق - لهُو و لعب - منجلاب فساد - معاصی و گناهان - مُنکر و مُسکر - چهرهٔ تکیده - زهرخند - گوش استماع - ذوق و قریحه - می‌تراوید - قضا و تقدیر - پلاسی مُندرس - نقیضه‌پردازی و تقلید -
- ◆ دزد و طرار - جلاجل و زنگوله - موضع خالی - طرفه و عجیب - مؤذن مسجد - اضطراب و بی‌قراری - جامه و دستار - ملال و اندوه - پاس و نگاهبانی -

درس هفدهم: سپیده‌دم / مزار شاعر

- ◆ آسمان برین - خار و درد - برترین حماسه - صدر و سینه - نخل و عنب و تاکستان
- ◆ لگامی زرین - قبر و مزار - جذبه‌ای اسرارآمیز - راه قره‌قوم - تاتار و مغولستان - معبدی آهنین

درس هجدهم: عظمت نگاه / سه پرشی / نیایش

- ◆ ناتانائیل - متوجه و معطوف - تملک و تصاحب - تمایز و تفاوت - قائل شدن و پذیرفتن - مبتنی و وابسته - نثار و پیشکش - مائده و طعام - عود و سندروس - طالب حضور - هویدا و آشکار - فروغ و روشنی - منحصر و محدود -
- ◆ تزار روسیه - جار و چاووش - قلمروی حکومت - رایزن و مشاور - راهب و عابد - فروتن و متواضع - محافظ و نگاهبان - توقف و ایستادن - علت و سبب - ضبط دارایی‌ام - کینه و انتقام - چُمباتمه نشستن - غایی و نهایی -
- ◆ آبرو و حُرمت - عاجز و درمانده - الطاف و مرحمت - پرده و حجاب -

واژگان هم‌آوا: واژگانی هستند که تلفظ آنها یکسان، اما املا و معنای آنها متفاوت است: قالب و غالب

واژگان شبه‌هم‌آوا: واژگانی هستند که در تلفظ، کمی اختلاف دارند؛ اما املا و معنای آنها متفاوت است: «ذلت و زلت»، «فراق و فراق»

مغلوب: شکست‌خورده / مقلوب: دگرگون شده	اجل: مرگ، زمان / عجل: گوساله، گل و لای	قربت: نزدیکی / غربت: دوری، تنهایی
حیات: زندگی / حیاط: صحن خانه	اثاث: وسایل خانه / اساس: پایه، بنیاد	امل: آرزو / عمل: کار
منسوب: نسبت داده شده / منصوب: به کاری گماشته شده، نصب شده	اشباح: سایه‌ها (جمع شیخ) / اشباه: همانندان (جمع شبه)	حرص: آرز، طمع، زیاده‌روی / هرَس: بریدن شاخه-های اضافی
خوان: سفره، مرحله / خان: رئیس، مرحله	قیاس: مقایسه / غیاث: فریادرس، نام خدا	قالب: شکل و هیئت / غالب: چیره، برتر
بحر: دریا / بهر: برای، بهره و نصیب	ارض: زمین / عرض: پهنا	تبع: پیروی / طبع: طبیعت، ذات، سرشت، چاپ
صبا: بادی که از شمال شرق می‌وزد / سبا: نام سرزمین بلقیس	امارت: فرمانروایی، امیری / عمارت: ساختمان، آباد کردن	خواستن: درخواست کردن، طلب کردن / خاستن: برخاستن، بلند شدن
صدر: سینه، بالا، اول هر چیز / سدر: نام درخت	الم: درد و رنج / علم: پرچم، بیرق، درفش	طوفان: باد و باران شدید / توفان: توفنده و غران
قرب: نزدیکی به خدا / غرب: نام یک جهت	قرب: نزدیک / غریب: دور، تنها، بی‌کس	راضی: خشنود، قانع / رازی: اهل ری
رایت: علم، پرچم / رعیت: مردم زیر دست	قصه: داستان / غصه: غم	ستور: چهارپا / سطور: جمع سطر
تنا: ستایش / سنا: نور و روشنی	حوزه: ناحیه / حوضه: حوض(مربوط به آب است)	سُخره: مسخره / صخره: سنگهای کوه
ثواب: پاداش / صواب: درست	حول: اطراف / هول: ترس و وحشت	سلاح: وسیله جنگی / صلاح: نیکی، مصلحت
جزر: پسروی آب دریا(متضاد مد) / جذر: ریشه دوم عدد	خار: تیغ / خوار: پست و کوچک، سهل و آسان	ثسبت: ۶۰ / ثسبت: انگشت شست، زه‌گیر
قول: وعده / غول: موجودی خیالی و ترسناک	نواحی: جمع ناحیه / نواهی: نهی شده‌ها	قاضی: داور / غازی: جنگجو، مبارز
خجر: سنگ / هجر: دوری	خورد: بن ماضی خوردن / خرد: کوچک	غدر: خیانت / قدر: ارزش، نام سوره قرآن
اسرار: رازها / أصرار: پافشاری	خویش: خود، فامیل، خویشاوند / خیش: گاوآهن	غرابت: دوری، شگفتی / قربابت: نزدیکی
حزم: دوراندیشی، احتیاط / هضم: گوارش	سطوح: جمع سطح / ستوه: خسته و درمانده	غرض: منظور / قرض: وام
سفر: مسافرت / صفر: نام یک ماه قمری	ازل: زمان بی‌آغاز / عزل: برکنار کردن	فراق: دوری / فراق: آسودگی، آسایش
روزه: یکی از فروع دین / روضه: باغ، مطالبی که در عزا و سوگواری می‌خوانند.	گزاردن: ادا کردن(نماز گزار)، اجرا کردن(خدمتگزار) / گذاردن: قرار دادن، اجازه دادن، رها کردن و ...	ستور: چهارپایان / سطور: خطها، سطرها
غذا: خوراک / غزا: جنگ و پیکار / قضا: تقدیر و سرنوشت	نغز: خوب و خوش / نقض: شکستن، شکستن عهد و پیمان	عداوت: دشمنی / أدوات: وسایل

فارسی ۱ - سوالات پایانی «املا»

۰/۲۵	در بیت «مرغ خوشخوان را بشارت باد کاندرا راه عشق / دوست را با ناله شپهای بیداران خوش است.» کدام واژه اهمیت املائی ندارد؟ (نهایی، خرداد ۱۴۰۲، صبح) الف) عشق ب) بیداران ج) بشارت د) مرغ
۰/۷۵	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (نهایی، خرداد ۱۴۰۲، صبح) صواب / نقض / عمارت الف) عاقل در دفع مکاید دشمن تأخیر (ثواب / صواب) نبیند. ب) بعد از تو روا باشد (نقض / نغز) همه پیمانها. ج) عامل شهری به خلیفه نبشت که دیوار شهر خراب شده است. آن را (امارت / عمارت) باید کردن.
۰/۵	در کدام گزینه املائی همه واژه‌ها به درستی آمده است؟ (نهایی، خرداد ۱۴۰۲، صبح) الف) رعیت - وقاهت - مضرت - سندروس ب) توسن - استدعا - تجلی - خصم ج) حقه - معاش - طرفه - زاعر د) محنت - رعب - بيقوله - معطوف
۰/۵	املائی درست کلمات مشخص شده را بنویسید. (نهایی، خرداد ۱۴۰۲، صبح) شست / استرحام الف) به شصت اندر آورده تیر خدنگ ب) مخذول و نالان استرحام می کرد.
۰/۲۵	در کدام گزینه تمامی واژه‌ها اهمیت املائی دارند؟ (نهایی، خرداد ۱۴۰۲، عصر) الف) رعب - معرکه - کام ب) مصلحت - گبر - کیوان ج) خدنگ - فتراک - تلفت د) بدسگال - زره - افسر
۰/۷۵	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (نهایی، خرداد ۱۴۰۲، عصر) بی‌تلاطم / صدرش / غواص‌ها الف) نگاهش آرام و حرکاتش و زندگانی‌اش (بی‌تلاطم - بی‌طلاطم) بود. ب) روستایی که با (صدرش - صدرش) با سینه‌اش از شرافت خاک و کرامت انسان بودن دفاع کرد. ج) پیش از همه (غواص‌ها / غواص‌ها) در سکوت به آب زدند.
۱	املائی درست کلمات نادرست را بنویسید. (نهایی، خرداد ۱۴۰۲، عصر) نصیان و غفلت - درع سواران - صاحب دلغ - ذبون ناکس - عینک دوربیزی نصیان و غفلت - استدعای مجلس - درع سواران - صاحب دلغ - یال و غارب - ذبون ناکس - عینک دوربیزی
۰/۷۵	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (نهایی، شهریور ۱۴۰۲) الف) صد هزاران این چنین (اشباح / اشباه) بین / فرقاشان هفتادساله راه بین. ب) (خواست / خاست) کز آن ورطه قدم در کشد / خویشتن از حادثه برتر کشد. ج) کمان را بمالید رستم به چنگ / به (شصت / شست) اندر آورده تیر خدنگ.

۹	در هر یک از موارد زیر یک نادرستی املائی وجود دارد؛ آن را بیابید و شکل درستش را بنویسید. (نهایی، شهریور ۱۴۰۲) الف) و فلق، محرابی که تو در آن نماز صبح شهادت گذارده‌ای. گزارده‌ای / غالب / زجر ب) و آنکه غفلت بر احوال وی قالب و عجز در افعال وی ظاهر بود، حیران و سرگردان و مدهوش چپ و راست می‌رفت. ج) پس به ضجر و مصادره از وی بازستانی و در خزانه نهی؛ درویش و رعیت را چه سود دارد؟
۱۰	در کدام گزینه املائی همه واژه‌ها به درستی آمده است؟ (نهایی، شهریور ۱۴۰۲) گزینه د الف) غبطه - حضيض - صخره ب) آخره - مخصصه - تقریض ج) مقریان - وقاحت - مسخرگی د) غایی - تزار - فیاض
۱۱	در کدام گزینه نادرستی املائی دیده نمی‌شود؟ (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما) گزینه ب الف) دیوار شهر خراب شده است، آن را امارت باید کردن. ب) در نوای طوطیان حاذق بدی ج) به شصت اندر آورده تیر خدنگ د) در دفع مکاید دشمن تأخیر ثواب نبیند.
۱۲	املائی کدام واژه با توجه به معنای آنها نادرست است؟ درست آن‌ها را بنویسید. (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما) خذلان: خواری / صخره: ریشخند / مضرت: زیان / نسیان: فراموشی / ضجر: آزار / بحران: آشفتگی / وقاحت: بی‌شرمی / سفاهت: نادانی سُخره / زجر / وقاحت
۱۳	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما) لئیمی / عزم / طرب / وقب ۱ الف) در مقابله (لئیمی / لعیمی) کریمی کرد. ب) فلک در شگفتی ز (عظم / عزم) شماسست. ج) اشتر به شعر عرب در حالت است و (ترب / طرب) د) دست معلم از (وقب / وغب) حیوان روان شد.
۱۴	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما) هلیم / اجل ۰/۵ الف) اصلاً به چه حق خروس‌های مردم را سر بریدی و (هلیم / حلیم) درست کردی؟ ب) آب (عجل / اجل) که هست گلوگیر خاص و عام.
۱۵	در کدامیک از دو عبارت زیر تعداد غلط املائی بیشتر است؟. (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما) ب الف) چون بخاستیم رفت ما را به انعام و اکرام به راه دریا گسیل کرد؛ چنان که در کرامت و فراق به پارس رسیدیم. ب) بر حریف مقلوب که تسلیم اختیار کرده مخزول و نالان اسطرحام می‌کرد رحم نیاورد.
۱۶	در عبارت زیر همه کلمات کدام گروه دارای حروفی هستند که در زبان فارسی اهمیت املائی دارد؟ (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما) «رنج هیچ کس ضایع مکن و همه را به سزا حق شناس باش. خاصه قرابت خویش را؛ چندان که طاقت با شد با ایشان نیکی کن.» الف) رنج - ضایع - حق - طاقت ب) خاصه - قرابت - ضایع - سزا گزینه ب
۱۷	در هر یک از عبارتهای زیر یک نادرستی املائی وجود دارد، آن را بیابید و شکل صحیحش را بنویسید. (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما) الف) مرفه / ب) سطور / ج) قرب / د) عداوت الف) زندگی مرفحی نداشتند. پیرمرد شندرغازی از وزارت فرهنگ می‌گرفت. ب) تمام توش و توان ما، ضربان قلب و سوی چشم ما، به خطوط و ستور این کاغذها بسته بود. ج) معنای آنکه در نماز پیشانی بر خاک می‌گذاری این است و تا با خاک انس‌گیری راهی به مراتب عُرب نداری. د) چون یعقوب را بدو میل و عنایت دیدند، آهنگ کید و مکر و ادوات کردند.

۱	نادرستی‌های املائی را در نمونه‌های زیر بیابید و درست آنها را بنویسید. (اسفند ۱۴۰۲، تیموری، لرستان) الف) فک زبیرین را پیمود و در آخره ماند. پس بالا رفت. از یال و قارب به زیر آمد. ب) رنج هیچ کس ضایع مکن و همه کس را به سزا حق شناس باش؛ خاصه غرابت خویش را.	۱۸
۰/۷۵	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (اسفند ۱۴۰۲، تیموری، لرستان) عمارت / غنا / گزارده‌ای الف) دیوار شهر خراب شده است. آن را (امارت / عمارت) باید کردن. ب) خاک مظهر فقر مخلوق در برابر (غنای / غنای) خالق است. پ) فلق، محرابی که تو در آن نماز صبح شهادت (گزارده‌ای / گزارده‌ای)	۱۹
۰/۲۵	با توجه به معنی املائی کدام واژه نادرست است؟ (اسفند ۱۴۰۲، تیموری، لرستان) گزینه ب الف) محنت و اندوه ب) تغریظ و متن ستایش آمیز ج) سوله و ساختمان فلزی د) مزیح و شوخی	۲۰
۰/۲۵	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (خرداد ۱۴۰۰، ساسانی، گلستان) ستوه چو رهام گشت از کشانی (سطوح / ستوه) بیچید زو روی و شد سوی کوه	۲۱
۰/۵	در عبارات زیر، دو غلط املائی وجود دارد آنها را پیدا کنید و درست شان را بنویسید. (خرداد ۱۴۰۰، ساسانی، گلستان) الف) سیرتش نیکوترین سیرت‌ها بود، در مقابلهٔ لعیمی، کریمی کرد. لئیمی ب) تصویر سرتیپ را با «ضمایم و تألیقات» در نهایت مهارت و استادی کشید. تعلیقات	۲۲
۰/۷۵	در گروه واژگان زیر، سه غلط املائی دیده می‌شود؛ آن‌ها را بیابید و درستشان را بنویسید. (خرداد ۱۴۰۰، ساسانی، گلستان) نسیم صبا - سهراب و هجیر - اشباح و همانندان - عنان و صنان - غفلت و نصیان - عادت مألوف آشیاه و همانندان - عنان و سنان - غفلت و نسیان	۲۳
۰/۷۵	در هر یک از موارد زیر، یک نادرستی املائی یا رسم الخطی وجود دارد، آنها را بیابید و درستشان را بنویسید. (خرداد ۱۴۰۱، ساسانی، گلستان) بندگان / سیرت / مخذول الف) خدای، تبارک و تعالی، همهٔ بنده‌گان خود را از عذاب قرض و دین فرج دهد. ب) قصهٔ حال یوسف را نیکو نه از حُسن صورت او گفت، بلکه از حُسن صیرت او گفت. ج) بر حریف مغلوب که تسلیم اختیار کرده، مخزول و نالان استرحام می‌کرد، رحم نیاورد.	۲۴
۱	در گروه واژگان زیر، چهار نادرستی املائی وجود دارد؛ آن‌ها را یافته و درستشان را بنویسید. (خرداد ۱۴۰۱، ساسانی، گلستان) جزر و مد - لعیمی و کریمی - ضایع و طلف - عنان و سنان - حاذق و ماهر - خار و زبون - ضمائم و تعلیقات - درع و ذره. لئیمی و کریمی - ضایع و تلف - خوار و زبون - درع و زره	۲۵
۰/۷۵	در هر یک از عبارات زیر، یک غلط املائی وجود دارد آن را پیدا کنید و درست آن را بنویسید. (خرداد ۱۴۰۱، ساسانی، گلستان) الف) هم فرقت بود وهم وصلت؛ هم مهنت بود، هم شادی. محنت ب) همه کس را به سزا، حق شناس باش؛ خواصنه قرابت خویش را. خاصه ج) بر حریف مغلوب که تسلیم اختیار کرده، مخذول و نالان استرحام می‌کرد، رحم نیاورد. مغلوب	۲۶

۰/۲۵	۲۷	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (خرداد ۱۴۰۱، ساسانی، گلستان) صبا «(سبا / صبا) بر آن سر زلف ار دل مرا بینی / ز روی لطف بگوش که جا نگه دارد.»
۰/۲۵	۲۸	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (خرداد ۱۴۰۱، ساسانی، گلستان) اشباه «صد هزاران این چنین (اشباح / اشباه) بین / فرقتشان هفتاد ساله راه بین»
۰/۵	۲۹	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (شهریور ۱۴۰۱، ساسانی، گلستان) اجل / جزر الف) آب (عجل / اجل) که هست گلوگیر خاص و عام / بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد. ب) آنها از بین گل‌ولایی که حاصل (جزر/ جزر) و مذآب «خور» است، خود را به قایق‌ها می‌رسانند
۰/۵	۳۰	در متن زیر املائی دو واژه نادرست است؛ آن دو را بیابید و اصلاح کنید. (اردیبهشت ۱۴۰۳، محسنی، تهران) خروس مغلوب سپر بیانداخت و از میدان بگریخت. لیکن خروس غالب حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان. بر حریفش که تسلیم اختیار کرده، مخزول و نالان استرحام می‌کرد، رحم نیاورد و آن چنان او را می‌کوفت که «پولاد کوبند آهنگران.» بینداخت / مخزول